**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه193 – 18/ 12/ 1397 زیادی جزء / اقل و اکثر ارتباطی /قاعده احتیاط**

خلاصه بحث:

بحث در جزئیت مطلقه یا مقیده برای ناسی بود. در جلسه گذشته بحث های اصلی در این زمینه به اتمام رسید هر چند بحث های جزئی دیگری وجود دارد که دیگر ورود در آنها نمی شود.

در این جلسه بحث زیادی عمدی و سهوی جزء آغاز می شود.

**زیادی جزء**

مرحوم شیخ[[1]](#footnote-1) بحث زیادی جزء را در دو مقام زیادی عمدی جزء و زیادی سهوی جزء مطرح کرده است اما مرحوم آخوند[[2]](#footnote-2) این دو بحث را ذیل یک عنوان بحث کرده است. پیش از ورود در بحث، توضیحی ابتدایی درباره رکن و واجب و تفاوت بین این دو لازم است.

**تفاوت رکن و واجب**

تفاوت رکن و واجب در صلاه روشن است. رکن جزئی از نماز است که ترک عمدی یا سهوی آن موجب بطلان است و واجب جزئی است که ترک عمدی آن موجب بطلان بوده و ترک سهوی آن مخلّ نیست. اما در بحث حج، رکن واجبی است که ترک عمدی آن موجب اخلال بوده و واجب چیزی است که حتی ترک عمدی آن نیز مضرّ به حج نیست. رکن در حج مانند طواف حج که ترک عمدی آن موجب بطلان حج است و واجب مانند رمی جمارات در روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم که واجب هستند اما ترک عمدی آنها موجب بطلان نیست.

**کیفیت تصویر واجب غیر رکنی در حج**

وجوب یک شیء در حج که حتی ترک عمدی آن موجب بطلان نشود، به دو نحو قابل تصویر است:

1. تصویر اول آن است که مثلا رمی جمارات جزء حجّ نبوده و واجبی است که حج ظرف آن است. البته این تصویر خلاف متفاهم عرفی است.

2. دومین تصویر این است که رمی الجمرات جزء ماهیه الحج نیست اما جزء الصنف است. همانند تصویری که در گذشته بیان شد، که چیزهایی بر فرض وجود، جزء هستند اما با نبود آنها ماهیت به طور کلی منتفی نشده و آن صنف خاص منتفی است. به عنوان مثال، اتاق سوم بر فرض وجود جزء خانه است اما در فرض نبود، صنف خاص خانه سه اتاقی منتفی می شود اما ماهیت خانه منتفی نیست. می توان ماهیت خانه را لابشرط از اتاق سوم دانست اما صنف خاص خانه را بشرط اتاق سوم تصویر کرد بر خلاف بخاری که ماهیت خانه لا بشرط از بخاری است و در فرض وجود جزء خانه نبوده و در فرض عدم نیز موجب منتفی شدن ماهیت خانه نیست. در حج نیز شبیه این تصویر قابل تصوّر است به این معنا که واجب غیر رکنی در حج،

واجبی است که در فرض وجود جزء حج است اما در فرض نبود، موجب منتفی شدن ماهیت حج و اخلال به صحت حج نمی­شود. بر خلاف واجبات رکنیه در حج که ترک عمدی آنها موجب انتفای ماهیت حج است. البته ممکن است ترک سهوی آن نیز موجب بطلان بوده و امکان دارد با ترک سهوی، به صحت حج اخلالی وارد نشود.

در حقیقت در واجب غیر رکنی دو امر وجود دارد. اول آنکه حج به جا آورده شود و دو آنکه حج در ضمن صنفی خاص ایجاد شود. با انجام سایر اعمال حج و ترک عمدی واجب غیر رکنی مانند رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم، امر اول به اتیان حج امتثال شده اما امر دوم به صنفی از حج که رمی جمرات همراه آن باشد، عصیان شده است. پس نسبت به امر به صنف معصیت تحقق یافته اما نسبت به امر به اصل الحج، معصیتی رخ نداده است.

**تصویر جزء مستحب، مباح و مکروه برای واجب**

این بحث در اجزاء مستحب نیز مطرح شد که جزء مستحب عملی است که در فرض وجود، جزء واجب بوده و در فرض عدم، موجب انتفای ماهیت نیست و تنها صنف خاص منتقی می­شود. مثل قنوت که در فرض انجام آن، قنوت داخل در طبیعت صلاه است اما در فرض ترک، نماز باطل نشده و تنها صنف خاص الصلاه مع القنوت، انجام نشده است. همانگونه که بیان شد، ثمره این بحث در مثل قاعده تجاوز روشن می شود. در روایات وارد شده است که اگر پس از ورود در جزء بعدی، شک در جزء قبلی کردید، بدان اعتنا نکنید. جزء بعدی در روایت عمومیت داشته و اختصاصی به جزء مقوم ماهیت ندارد به همین دلیل، شک در جزء قبلی پس از ورود در قنوت، مصداق قاعده تجاوز بوده و نباید به این شک اعتنا کرد. مثل آنکه گفته شود: با ورود در قسمت های دیگر خانه اگر شک در اصل جاروکردن یا کامل جارو کردن قسمت قبلی شدید، بدان اعتنا نکنید. در این فرض، اتاق سوم قسمت دیگری از خانه است و با ورود در اتاق سوم، صدق می کند از قسمت قبلی خارج شده اید. پس نباید در جارو کردن اتاق دوم شک کرد. در این مثال هر چند اتاق سوم جزء مقوم ماهیت خانه نیست اما جزء صنف خانه بوده و ورود در قسمت بعدی با ورود در اتاق سوم، صادق است.

اجزاء مستحب نماز نیز مانند اتاق سوم بوده و هر چند جزء مقوم رکن صلاه نیستند اما جزء صنف خاص صلاه می باشند و به همین دلیل ورود در آنها کافی در جریان قاعده تجاوز است. بر خلاف مرحوم خویی که با انکار جزء مستحب، دخول در مستحبات نماز را موجب صدق دخول در جزء بعدی و در نتیجه جریان قاعده تجاوز نمی داند. به همین دلیل ایشان با شک در قرائت هنگام قنوت، انجام قرائت را لازم می دانند.

اما همانگونه که بیان شد، واجب می­تواند جزء مستحب داشته باشد و حتی تصویر جزء مباح و مکروه نیز صحیح است. مثل آنکه اصل خانه واجب بوده و صنف خاص خانه سه اتاقه مستحب بوده و صنف خاص خانه چهار اتاقه مکروه است. کراهت این صنف خاص بدین علت است که اصل خانه مصلحتی دارد که با آمدن اتاق چهارم این مصلحت کاهش پیدا می کند مانند تصویر کراهت در عبادات. بنابراین مانعی ندارد چیزی جزء واجب بوده اما اخلال عمدی آن موجب بطلان نباشد.

مرحوم شیخ تنها بحث را درباره زیاده جزء بحث کرده در حالی که باید از نقیصه جزء نیز بحث شود که آیا نقیصه عمدی جزء مخلّ است یا مخل نیست؟ در بحث رکن نیز نوعا رکن در نماز که اخلال عمدی و سهوی آن موجب بطلان است، تصویر شده در حالی که رکن در حج با رکن در نماز متفاوت است.

**تصویرهای ثبوتی زیادی جزء**

زیادی جزء تصویرهای ثبوتی متعددی دارد که سه صورت از آنها بیان می شود.

1. عدم زیاده در کل مأمور به شرط شده و شرط مأمور به آن است که زیاده ای در آن نباشد یا عدم زیاده در سایر اجزاء شرط شده است.

2. زیاده بر فرض وجود جزء طبیعت بوده و بر فرض نبود، مضرّ به صدق طبیعت نیست.

3. زیاده لابشرط بوده و در فرض وجود جزء ماهیت نبوده و در فرض عدم، مضرّ به صدق طبیعت نیست.

در فرض شک، گاه هر سه صورت احتمال دارد به این معنا که امکان دارد، عدم زیاده در کل مأمور به یا سایر اجزاء شرط بوده، امکان دارد زیاده بر فرض وجود جزء طبیعت بوده ولی در فرض نبود، مضرّ به صدق طبیعت نباشد و امکان دارد لا بشرط باشد.

مرحوم آخوند در شک در شرطیت عدم زیاده، می فرماید: این بحث مانند بحث در شک در جزئیت و شرطیت بوده و نکته متفاوتی با آن بحث ندارد.[[3]](#footnote-3) ایشان اشاره ای به این صورت نکرده که علم داریم عدم زیاده شرط نبوده و وجود زیادی مخل نیست ولی نمی دانیم مثلا قنوت جزء الصلاه است یا واجب فی الصلاه است؟

حکم این صورت را باید با رجوع به اصول عملیه روشن کرد. مثلا می توان درباره جریان استصحاب الکون فی الصلاه بحث کرد که هنگام قرائت داخل در نماز بوده و قنوت شک دارد که از صلاه خارج شده یا نه؟ با جریان استصحاب الکون فی الصلاه، داخل در نماز بودن اثبات می شود. اما آیا اثبات جزئیت صلاه با این استصحاب از مصادیق اصل مثبت نیست؟ بحث ویژه ای درباره این استصحاب مطرح نشده اما ذیل بحث استصحاب هیأت اتصالیه، نکاتی بیان شده که قابل تطبیق در استصحاب مورد بحث است که در آینده به برخی از این مباحث اشاره خواهد شد.

مرحوم شیخ درباره زیادی عمدی جزء می فرماید:

المسألة الثانیة **[: هل تبطل العبادة] فی زیادة الجزء عمدا؟ و إنّما یتحقّق فی الجزء الذی لم یعتبر فیه اشتراط عدم الزیادة**[[4]](#footnote-4)

ایشان می فرماید: گاه شرط جزء خاص عدم زیاده است مثلا مأمور به دو سجده ای است که سجده سوم نداشته باشد. از نظر ثبوتی می توان در اذکار مستحبی اینگونه تصویر کرد که هفتاد تسبیح مأمور به است و نباید بدان حتی یک تسبیح اضافه شود. شخصی در تصویر ثبوتی این مطلب به شماره تلفن تنظیر می کرد که با تبدیل شماره 76 به 77 دیگر اتصال به فرد مورد نظر میسّر نخواهد شد. نماز و اذکار نیز می تواند رمز اتصالی بین بنده و خدا باشد که با تبدیل 70 تسبیح به 71، دیگر این رمز اتصال کارایی نداشته باشد.

مرحوم شیخ در ادامه می فرماید: **فلو اخذ بشرطه فالزیادة علیه موجب لاختلاله من حیث النقیصة؛ لأنّ فاقد الشرط کالمتروک. کما أنّه لو اخذ فی الشرع لا بشرط الوحدة و التعدّد فلا إشکال فی عدم الفساد.**

در فرضی که جزء به شرط عدم زیاده واجب شده باشد، با انجام زیاده، جزء به شرط عدم زیاده صادق نبوده و جزء مع الزیاده صادق است و به همین دیل عمل باطل خواهد بود. اما در صورتی که جزء لا بشرط از وحدت و تعدد اخذ شده باشد، اشکالی در عدم فساد عبادت با زیاده عمدی جزء نیست. مراد مرحوم شیخ از لابشرط از وحدت و تعدد ابهام دارد که آیا تعدد در فرض وجود مضرّ نبوده و جزء نیز نمی باشد یا در فرض وجود، جزء است؟

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

1. فرائد الأصول، ج‏2، ص: 370 [↑](#footnote-ref-1)
2. كفاية الأصول ( با تعليقه زارعى سبزوارى )، ج‏3، ص: 133 [↑](#footnote-ref-2)
3. كفاية الأصول ( با تعليقه زارعى سبزوارى )، ج‏3، ص: 133 الثالث: [حكم زيادة الجزء عمدا أو سهوا] انّه ظهر ممّا مرّ حال زيادة الجزء إذا شكّ في اعتبار عدمها شرطا أو شطرا في الواجب مع عدم اعتباره في جزئيّته. و إلّا لم يكن من زيادته بل من نقصانه، و ذلك لاندراجه في الشكّ في دخل شي‏ء فيه جزءا أو شرطا، فيصحّ لو أتى به مع الزيادة عمدا تشريعا، أو جهلا- قصورا أو تقصيرا أو سهوا، و إن استقلّ العقل- لو لا النقل- بلزوم الاحتياط لقاعدة الاشتغال‏ [↑](#footnote-ref-3)
4. فرائد الأصول، ج‏2، ص: 370 [↑](#footnote-ref-4)